

## فرهنگ‌یختگان



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

اختلاف سلیقه و گرایش سیاسی برای یک نظام سیاسی امری مثبت

فعالان سیاسی از ابعاد مختلف بحث داغ این روزها می‌گویند

# کدام دو قطبی؟ کدام وفاق؟

است، منجر به پویایی آن می‌شود و تضارب آرا را به همراه دارد اما زمانی که این اختلافات به سمت قطبی کردن جامعه حرکت کرده و تصویری صفر و صدی از گرایش‌های سیاسی ارائه کند، می‌توان آن را اتفاق نه‌چندان مطلوبی برای یک نظام سیاسی دانست که

### سعید آجرلو: از دل اختلاف سلیقه نباید جدال حق و باطل میان نیروهای سیاسی ایجاد کرد

دیگر وارد دو قطبی‌های جعلی نشویم و یک طرف را مصداق کامل باطل ندانیم و او را تکفیر و طرد نکنیم و آن طرف هم وارد چنین جدالی نشود؛ چراکه همه ما بخشی از نیروهای سیاسی و فرهنگی همین کشور هستیم. من فکر می‌کنم پنهان‌ها هم در حال توضیح و تبیین دو قطبی‌هایی از این جنس بود. وقتی از این زاویه به موضوع نگاه می‌کنیم امکان گفت‌وگو و تفاهم بر سر توسعه‌ایران از دست می‌رود؛ چراکه طرف مقابل باطل مطلق تلقی می‌شود. متأسفانه امروز چنین دو قطبی‌هایی نه بین جناح راست و چپ که بین نیروهای انقلابی ایجاد شده‌است. یعنی بخشی از نیروها که مدعی انقلابی‌گری هستند بخش دیگر را خارج از دسته انقلابی‌ها می‌دانند؛ درحالی‌که این بر خلاف فرمایش رهبر انقلاب است. رهبر انقلاب تأکید دارند که اگر دو قطبی به‌هم‌چود داشته باشد بین نیروهای انقلابی و ضدانقلابی است.»

#### دوقطبی انتقاد را به منازعه تبدیل می‌کند

آجرلو درباره اینکه آیا پرهیز از دو قطبی به معنی پایان انتقاد است، گفت: «کنار گذاشتن اختلاف دیدگاه‌ها امکان‌پذیر نیست. یک جامعه هم اگر به دنبال رشد باشد باید اختلاف‌نظر را رسمیت بشناسد اما اختلاف‌نظری که تبدیل به عداوت و کینه‌نشده و کار را جلو ببرد. دو قطبی این کار را می‌کند؛ یعنی عداوت درست کرده و یک طرف به خصم طرف مقابل تبدیل می‌شود. اگر کارکرد جریان‌های سیاسی این باشد خطرناک است. به نظر من هرگونه استفاده از این اصول برای سلب امکان اظهار نظر از رسانه‌ها و جلوگیری از پرداختن آنها به اختلاف‌نظرها حاصلی جز بسته شدن فضا و شکل‌گیری نوع جدید از روابط غلط ندارد.

اگر ما به بهانه دو قطبی جلوی حرف زدن را بگیریم که این حرف‌ها پایان نمی‌یابد، بلکه از جای دیگری سر باز می‌کنند و زیرزمینی می‌شود. باید بتوانیم مرز بین دو قطبی درست نکردن و انتقاد کردن را پیدا کنیم. این مرز کجاست که ما بتوانیم انتقادات مان را بگوییم اما طرف مقابل را تکفیر نکنیم؟ به نظر من اصل این است. اصل نفی فضای دو قطبی است که گاهی رسانه‌ها هم آن را درست نمی‌کنند. مثلاً در توئیتر و شبکه‌های اجتماعی موضوعات مناقشه برانگیز مطرح می‌شود. ما باید روی این جایی حساسیت به خرج دهیم که دو طرف هیچ امکان تفاهمی با هم قائل نشوند. این خطری است که در ماجراهای مختلف اتفاق افتادن آن را دیده‌ایم.

است که ما هر کار جریان سیاسی مقابل خودمان را منفی و هر کار جریان سیاسی خودمان را مثبت معرفی کنیم. الان وضعیت کسانی که اسیر گروه‌گرایی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی شده‌اند، به این شکل است. متأسفانه در اکثر موارد اگر فساد در اصلاح‌طلبان باشد، اصولگرایان آن را فریاد می‌زنند و اگر در اصولگرایان باشد، اصلاح‌طلبان از خجالت‌شان درمی‌آیند و هر دو طرف وقتی یکی از افراد منسوب به خودشان دچار مفسد‌های باشد، آن را توجیه می‌کنند. اگر با کارآمدی در این طرف باشد، آن طرف فریاد می‌زند و اگر در آن طرف باشد، این طرف از خجالتش درمی‌آید. اگر تصمیم خوبی در یکی از این جناح‌های سیاسی گرفته شود، طرف دیگر از کنارش عبور می‌کند و برعکس تصمیمات خوب خودش را در بوق و کرنا می‌کند. در اکثر مواقع، دو طرف به حساب‌های بانکی یکدیگر، خانه‌های بزرگ محلات خوش‌نشین و گران‌قیمت یکدیگر، استفاده از فرصت‌های ثروت‌اندوزی یکدیگر، فرزندان خارج از کشور یکدیگر، حضور فرزندان و خویشان درجه یک یکدیگر در گلوگاه‌های اقتصادی و… کاری ندارند. دو قطبی سیاسی یعنی در ایام انتخابات اصلاح‌طلبان می‌گویند اصولگرایان لولوه هستند و اصولگرایان می‌گویند اصلاح‌طلبان لولوه هستند و هرکدام با لولونمایی طرف مقابل، تلاش می‌کند بدنه رأی خودش را بترساند و آنها را برای رأی دادن به لیست‌هایی که پشت درهای بسته و در موارد متعددی براساس سبجه‌بندی، روابط حزبی، اداری و فامیلی تهیه شده و

### رسایی: دو قطبی کاذب باعث ناکارآمدی می‌شود

حمید رسایی، نماینده مجلس ابتدا درباره اینکه اساساً معنی دو قطبی چیست، گفت: «دو قطبی سازی به معنای ایجاد تقابل بین دو مجموعه است به شکلی که روزی روزی هم قرار بگیرند و هر یک به نفی مطلق دیگری بپردازد. این وضعیت می‌تواند در حوزه مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی، مسائل اعتقادی یا سیاسی ایجاد شود. اولین دو قطبی‌ها را خداوند ایجاد کرده‌است. هر دو قطبی‌ای باطل نیست، بلکه ایجاد دو قطبی در جریان حق، باطل است. برخی دو قطبی‌ها واقعی هستند که اساساً باید حفظ شوند مثل تقابل اسلام و کفر یا تقابل بین سازش و مقاومت و عزت و ذلت. برخی از این دو قطبی‌ها را امام راحل بنیان گذاشت مثل تقابل فاه‌طلبی در برابر مبارزه، تقابل فقر در برابر غنا و اشرافیت. در مسائل سیاسی اخیر رهبری معظم انقلاب، فتنه را یک خط قرمز دانستند یعنی اینجاست باید توقف کنند و مرزبندی داشته باشند. برخی دو قطبی‌ها کاذب هستند، مثل ایجاد تقابل بین جریان‌ات اصلاح‌طلبی و اصولگرایی یا تقابل بین محجبه‌ها و شل‌حجاب‌ها یا بی‌حجاب‌ها و مواردی از این جنس.»

#### دوقطبی سیاسی یعنی لولونمایی از جناح مقابل

او درباره اینکه مصداق دو قطبی سازی در فضای سیاسی کشور چیست، نیز توضیح داد: «مصداقش این

### ابطحی: وضعیت فعلی وفاق است، خالص سازی نیست

سیدمحمدعلی ابطحی، رئیس دفتر خاتمی در دولت اصلاحات نیز درباره اینکه اساساً دو قطبی سازی به چه معنی است، به تاریخچه دو قطبی انتخابی و انتصابی در دولت اصلاحات اشاره کرد و گفت: «تاریخچه دو قطبی سازی به عقب انتخاب و انتصابی برمی‌گردد که این دو قطبی انتصابی و انتخابی از دو دهه قبل در فضای سیاسی مطرح بود و اینکه قدرت باید در اختیار بخش انتخابی و انتصابی باشد. گاهی این اوج می‌گرفت، گاهی کم می‌شد، گاهی بخش انتخابی قدرت پیدا می‌کرد و بیشتر اوقات بخش انتصابی قدرت پیدا می‌کرد. این واقعیت وجود داشت اما این دو بخش هر دو در قانون اساسی وجود داشتند و جزئی از قوانین کشور بودند و باید ملاحظه این بخش اتفاق می‌افتاد و به رسمیت شناخته می‌شد. در دولت قبل اتفاقی افتاد که به تعبیر لاریجانی، خالص سازی در حال وقوع بود یعنی

### ناصرایمانی: دیوو دلبرسازی در فضای سیاسی مطلوب نیست

ناصرایمانی، کارشناس مسائل نیز در توضیح معنای دو قطبی به دو قطبی سازی کاذب در جامعه اشاره کرد و گفت: «دو قطبی سازی یعنی ایجاد فضای تصنعی رقابت بین چند جریان سیاسی یا دولت با جریان‌های سیاسی درحالی‌که این فضا تصنعی است و ارتباطی با واقعیت موجود ندارد. انگیزه‌ها بیشتر برای پهوربپردازی جناحی و سیاسی است تا انگیزه‌های واقعی. در آن دو قطبی سازی احساس مصلحانه بودن ندارد و احساس می‌کنید این کار با انگیزه‌های دیگری انجام می‌شود. فضایی را به وجود می‌آورند که منجر به دشمنی میان گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی می‌شود، درحالی‌که این دشمنی نه واقعیت خارجی دارد و نه باید داشته باشد. تالان بارها رهبر انقلاب به دو قطبی سازی اشاره کردند که نباید به سمت دیوو دلبرسازی در جامعه حرکت کنیم، یعنی نه یک سری افراد را پاک و مطهر بدانیم و یک سری را باطل. این حتی در میان مردم هم مطرح است. نباید گفته شود که ما دو تیپ مردم داریم، یک بخش افرادی هستند که آدم‌های خوب و طرفدار نظام هستند و در نقطه مقابل افرادی حضور دارند که مخالف نظام هستند. یا بین جناح‌های سیاسی مطرح شود که اگر کشور دست یک جریان بیفتد،

### حمیدرضا ترقی: دو قطبی سازی کاذب به انسجام جامعه لطمه می‌زند

حمیدرضا ترقی، عضو حزب مؤتلفه نیز ابتدا به معنای دو قطبی سازی و تاریخچه دو قطبی سازی اشاره کرد و گفت: «دو قطبی‌هایی که در جامعه به عنوان خطر تلقی می‌شود، دو قطبی‌هایی است که مبنای اعتقادی ندارد، بلکه مبنای سیاسی دارد که موجب دسته‌بندی غلط در داخل جامعه می‌شود قشری را طرفدار یک فکر و قشری را طرفدار فکری دیگر می‌کند و اینها به یکدیگر سیاه و سفید نگاه می‌کنند و به دنبال حذف یکدیگر هستند. این دو قطبی‌ها در جامعه ضرر دارد و انسجام جامعه را از میان می‌برد و به وحدت جامعه آسیب می‌زند و به‌طور طبیعی برای جامعه‌ای که دارای چندصدایی است و دموکراسی و مردم‌سالاری دارد و نحله‌های فکری در آن مسالمت‌آمیز کنار هم زندگی می‌کنند، می‌تواند خطر آفرین باشد. بر همین اساس اگر موضع‌گیری‌ها موجب چنین فضایی در جامعه شود، باید با آن مقابله کرد. مقام معظم رهبری همواره دولت‌ها را از دو قطبی کردن جامعه پرهیز داده‌اند. مثلاً در اوایل انقلاب دو قطبی مکتب و تخصص مطرح بود و اگر کسی دنبال فردی مکتبی بود

آن را به سمت افزایش اختلافات سوق می‌دهد. این روزها اما دوباره جدال گفتمانی درباره دو قطبی کردن فضای سیاسی اوج گرفته است. بخش زیادی از این نزاع اما درون جریان اصولگرایی در مواجهه با دولت جدید شکل گرفته است و البته هنوز هم ادامه

خیلی مواقع اختلاف‌نظرها اختلافاتی نیست که روی مباحث بنیادی انقلاب اسلامی باشد. موضوعات فرعی است که در سطح بالا طرح شده و از دل آن شکاف‌هایی حاصل می‌شود که در نهایت ضربه‌اش به گفتمان انقلاب وارد می‌شود. وضعیت زمانی بدتر می‌شود که چنین جهت‌گیری‌ای در دل خود نیروهای انقلاب به وجود بیاید. فضای دو قطبی باعث می‌شود که حرف‌ها به درستی شنیده نشده و سوء تفاهم به وجود بیاید؛ حال آنکه یکی از مقدمات گفت‌وگو این است که دو طرف حرف هم را به خوبی بشنوند. ولی وقتی فضاتند می‌شود امکان شنیدن حرف طرف مقابل نیست که خسارت‌بار است.»

#### دوری از دو قطبی امکان گفت‌وگو را فراهم می‌کند

آجرلو درباره اینکه آیا پرهیز از دو قطبی منجر به سلب هویت گروه‌های سیاسی می‌شود نیز توضیح داد: «بله، اگر اشتباه فهم شود این اتفاق می‌افتد. مثلاً ما در اقتصاد یک تفکر نئولیبرال مدل غنی نژاد داریم. یک تفکر شبه نهادگر و چپ داریم که فرشاد مومنی آن را دنبال می‌کند. آیا یک سمت ماجرامی‌تواند طرف مقابل را تکفیر کرده و او را به نداشتن اقتصاد مستقیم سازد و با نیت‌خوانی بگوید که دیگری دنبال فقر جامعه است یا منافع سرمایه‌داران را دنبال می‌کند؟ اگر این منظره فکری تبدیل به منازعه‌ای شود که دو طرف هم را دشمن بدانند هیچ تفاهمی به وجود نمی‌آید. یکی دیگری را کمونیست می‌نامد و دیگری هم او را منتم به طرفداری از سرمایه‌داری می‌کند. از این مناقشه هیچ اندیشه‌و راه‌حلی بیرون نمی‌آید؛ درحالی‌که از دل گفت‌وگوی همین دو تفکر مخالف‌کلی حرف بیرون می‌آید که می‌تواند برای گاهی مردم بیفزاید. در سایر حوزه‌ها هم همین است. دو طرف ماجرا اگر دیگری را به رسمیت بشناسند و حرفش را درست بفهمند به گفت‌وگو کمک می‌کنند اما اگر خصم هم باشند اساساً این امکان بسته می‌شود. در دو قطبی امکان گفت‌گو وجود ندارد و دو طرف هم را دشمن می‌دانند. اگر از این فضای بیرون نایییم و فضا با اد‌اعاهای غلط علیه یکدیگر رادیکال شود، مثلاً یک طرف به دیگری بگوید اقتدارگرایان آن یکی دیگری را منتم به غرب‌گرایی کند، از دل آن دیگر گفت‌وگویی بیرون نمی‌آید، چون به هم برچسب زده‌اند و حرفی هم در این فضای جروح‌ت‌گرفته شنیده نمی‌شود. دوری از دو قطبی به ما کمک می‌کند گفت‌وگو کنیم و واردی سیکلی از لجبازی نشویم.»

در دقیقه ۹۰ جلوی مردم گذاشته شده، قانع کند.»

#### هر دو قطبی مذموم نیست

رسایی در ادامه به این موضوع اشاره کرد که دو قطبی سیاسی انتقادات را صفر و صدی می‌کند و گفت: «این دو قطبی سازی‌های سیاسی نتیجه‌ای جز تقدیم الاذل بر افاضل و یا بالعکس ندارد. نتیجه‌ای این می‌شود که دولت وقتی از یک جریان سیاسی با این شاخصه تشکیل می‌شود کارآمدی ندارد. مجلسی با اکثریت از یک جریان سیاسی برآمده از دو قطبی کاذب تشکیل می‌شود که لکنت دارد و نمی‌تواند حرف مردم را بزند. انتقاد به معنای ایجاد دو قطبی نیست. اتفاقاً جامعه‌ای که نخبگان سیاسی آن برآمده از دو قطبی‌های کاذب باشند، انتقادات در آن صفر یا صد می‌شود، آن هم نسبت به طرف مقابلش.» رسایی درباره اینکه آیا می‌شود هر انتقادی را دو قطبی سازی دانست نیز گفت: «شاید بشود ولی نباید از آن هراسید. چون همان‌طور که گفتم هر دو قطبی‌ای مذموم نیست. حتماً این‌طور نیست. بستگی دارد که مبنای این انتقاد شما چه باشد، اگر ریشه انتقاد از میان تفکر دو قطبی کاذب باشد حتماً نتیجه آن هم دو قطبی کاذب می‌شود و اگر مبنای آن دو قطبی واقعی باشد، نتیجه آن اتفاقاً برای جامعه مفید است.»

دو اندیشه‌ای که حاکمند و تلاش می‌کنند و هر قطب می‌خواهد قطب دیگر را حذف کند. طبیعی است که وفاق امکان‌پذیر نیست مگر اینکه همه اینها بتوانند نظرشان را ارائه کنند، حتی افراطیون اما مهم این است که افراطیون محور تصمیم‌گیری و محور میانه جامعه نباشند وگرنه نقد و انتقاد از اصلی‌ترین راه‌های پیشرفت است و ارتباطی به دو قطبی بودن ندارد. این فضای تعاملی منجر به تقویت گروه‌های سیاسی می‌شود که هرگروه سیاسی بتواند بخشی از کشور را چه با نظرات مشورتی، چه اجرایی در چهارچوب مشترکات جامعه کمک دهد و به جای دعوا و اختلاف‌ها همراهی شکل گیرد و وقتی که احزاب و جریان‌ات در همکاری با یکدیگر بتوانند، قوتش بیشتر از این است که تنها در مواقع دعوا و اختلافات ظهور پیدا کند.»

را بگیرند و محکوم کنند، نه اینکه تنها به جناح مقابل توجه کنند. صحبت‌هایی که در چند روز گذشته از جانب قالیباف و پناهیان مطرح شد، نقد درون جناحی بود و پدیده رادیکالیسم درون خود را مورد نقد قرار می‌دادند. این پدیده مبارکی است و طلیعه خوبی است برای اینکه هر جناحی که می‌خواهد درون این جریان به پدیده رادیکالیسم دامن بزند، آن را محکوم کند. این راه حل مقابله با دو قطبی سازی است. اما جای تعجب وجود دارد که جریان مقابل که از ریاست جمهوری پزشکیان دفاع کردند چرا این اقدام را در مقابل دو قطبی سازی‌های خودشان انجام ندادند.. به صحبت‌ها و سخنرانی‌ها و میتینگ‌های تبلیغاتی که در یک ماه قبل از انتخابات اتفاق افتاد، نگاهی بیندازید. ببینید چه دو قطبی شدیدی از سوی برخی از این چهره‌ها به راه افتاد و بعد در دولت مسئولیت گرفتند اما صدایی از اعتراض و انتقاد از درون این جناح که چرا دو قطبی سازی می‌کنید، شنیده نشد و اگر این رویه را داشته باشیم مشکل پدیده رادیکالیسم در کشور حل نمی‌شود.»

دو قطبی در جامعه باعث شود تلقی‌های غلطی از آن صورت بگیرد، بلکه کسی که فهم درستی از این مساله دارد باید اظهار نظر کند و براین اساس باید جامعه را بیشتر به سمت انسجام و اتحاد و یکپارچگی حول محور رهبری سوق دهیم. همین که عده‌ای امروز به دنبال این باشند که هر چیز را به رهبری نسبت دهند و عدول از آن را مخالفت با اسلام و دین تلقی کنند و عده‌ای هم مخالفت کنند و آنها صد دین تلقی شوند، اینها مواردی است که رهبری بارها به آن و به مفهوم دو قطبی کردن اشاره کردند.» او درباره اینکه آیا پرهیز از دو قطبی به معنای پایان نقد است نیز گفت: «طبیعتاً باید آثار آن صحبت را مورد بررسی قرار داد. اگر آثار و تبعات حرف و موضعی در جامعه، عده‌ای را در جایگاه مخالف و عده‌ای را در جایگاه موافق قرار دهد و دو قطبی به وجود بیاورد که نظر خانواده‌ها را به هم بزند، همان دو قطبی سازی غلط است. اما اگر مناظره و تعاملی است که برای افراد مسائل حقیقی آشناتر می‌کند، بر این اساس باید آن را عنوان یک نظریه درست تلقی کرد.»